

تحلیل اقتصادی خرق حجاب شرکت تجاری

محسن کرمی

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mbar.karami@gmail.com

علیرضا مسعودی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

alireza@drmasoudi.com

عباس طوسی

دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

toosi.abbas49@gmail.com

قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۶ (تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

در نگاه نخست، عمل کنار گذاشتن شخصیت حقوقی شرکت تجاری یا به عبارتی نادیده گرفتن قاعده مسئولیت محدود به عنوان مهم‌ترین خصیصه حقوق شرکت‌ها، علیرغم مزایای اقتصادی فراوان، غیر قابل توجیه به نظر می‌رسد. لکن باید توجه داشت عبور از شخصیت حقوقی شرکت و در نتیجه تحمیل مسئولیت تأدیه دیون شرکت بر سهام‌داران، از آنجا که نقض قاعده مسئولیت محدود محسوب می‌گردد، همیشه امکان پذیر نمی‌باشد. در واقع، در مواردی که در تشکیل شرکت رعایت تشریفات نشده باشد و یا از شرکت تجاری سوء استفاده شده باشد، به گونه‌ای که اجرای قاعده مسئولیت محدود را از نظر اقتصادی و اجتماعی ناموجه نموده و در نتیجه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت را به لحاظ اقتصادی کارآمد توصیف نماید، قابل اجرا می‌باشد. نشانه‌های عدم رعایت تشریفات شرکت و عدم استفاده نادرست از شرکت که معیارهای خرق حجاب تلقی می‌گردد، من جمله تأسیس شرکت با سرمایه ناکافی، عملیات تجاری وابسته به یک‌طرف مسلط، و اعمال کنترل و تقلب از سوی سهام‌داران، بیانگر این است که شرکت به نحوی اداره می‌شود که با ویژگی‌ها و اهداف آن که عبارت است از ایجاد یک شخصیت حقوقی مستقل، دارای سرمایه مناسب و با موضوع مختص خود، ناسازگار است. بنا براین، این پژوهش در صدد است از منظر تحلیل اقتصادی و با استفاده از ابزار، مفاهیم و نظریه‌های علم اقتصاد، به‌ویژه کارایی، و با بهره‌مندی از روش توصیفی - تحلیلی، کنار گذاشتن قاعده مسئولیت محدود، و در نتیجه مسئول شناختن شرکا و سهام‌داران شرکت را، با فرض تحقق معیارهای مذکور، به لحاظ اقتصادی کارآمد و کارا توصیف نماید.

واژگان کلیدی: تحلیل اقتصادی، خرق حجاب، مسئولیت محدود، گروه شرکت‌ها، اصول حاکمیتی شرکتی، کارآمدی.

مقدمه

در سال‌های اخیر، مباحث فراوانی درباره معایب و مزایای مسئولیت محدود بین متخصصین حقوق شرکت‌ها جریان داشته است. مخالفین مسئولیت محدود بر این باورند که مسئولیت محدود هزینه‌ها را به‌طور ناموجه از صاحبان سهام شرکت به اشخاص ثالث خارج از شرکت منتقل می‌کند. این تحمیل ریسک همان دلیلی است که اجرای قاعده فوق را نامناسب و ناعادلانه می‌نمایند.

به عقیده منتقدین، مسئولیت محدودی که سهامداران، من جمله شرکت‌های مادر را در قبال مطالبات طلبکاران غیرارادی شرکت تحت کنترل مبری می‌کند، موجب گردیده که حتی متخصصین اقتصاد که نسبت به مزایای مسئولیت محدود متقاعد شده‌اند، بپذیرند که اعمال قاعده در عمل مشکلات فراوانی را به بار آورده است؛ بدین توضیح که با حاکمیت قاعده مذکور، شرکت قادر خواهد بود آثار زیان‌بار ناشی از عملیات خود را در فرضی که عملاً موقعیت مذاکره برای طرف مقابل وجود ندارد بیرونی کند.^۱

بلومبرگ که بخش قابل توجهی از تحقیق خود زیر عنوان «مسئولیت محدود و گروه شرکتی» را به تحلیل اقتصادی مسئولیت محدود اختصاص داده است، در مخالفت با کسانی که مسئولیت محدود را موجب توسعه صنعتی و پیشرفت اقتصادی دانسته‌اند؛ بیان می‌دارد که واقعیات تاریخی حاکی از این است که قاعده مذکور برای انجام فعالیت‌های اقتصادی بزرگ ضروری نمی‌باشد؛ انقلاب صنعتی انگلستان و آمریکا قبل از پیدایی مسئولیت محدود در سال‌های ۱۸۲۵ و ۱۸۵۵ در این دو کشور به وقوع پیوسته و مسئولیت محدود هیچ نقشی در توسعه صنعتی اروپا نداشته است.^۲

از سوی دیگر، طرفداران مسئولیت محدود در پاسخ به منتقدین عمدتاً با رویکرد اقتصادی بر این باورند که مسئولیت محدود نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی کشورها به‌ویژه ایالات متحده آمریکا داشته و بدون حاکمیت قاعده مزبور حیات و توسعه بازارهای اوراق بهادار با چالش جدی مواجه می‌گردید. همچنین موافقین به نفع قاعده مسئولیت محدود استدلال کرده‌اند که با وجود آن، هزینه‌های تأسیس و اداره شرکت به میزان قابل توجهی کاهش یافته و زمینه انتقال سهام شرکت‌ها تسهیل گردیده است. به باور موافقین، مسئولیت محدود یک قاعده بنیادین حقوق شرکت‌هاست که با حاکمیت آن، شرکت‌های بزرگ تأسیس گردیده و مبالغ هنگفت سرمایه جذب می‌شود.^۳

صرف‌نظر از اختلافات موجود پیرامون مزایا و معایب مسئولیت محدود آنچه که مورد اجماع نویسندگان است؛ لزوم حاکمیت دو قاعده اساسی «استقلال شخصیت حقوقی شرکت» و «قاعده مسئولیت محدود» بر حقوق شرکت‌ها است. به‌عنوان نمونه، ریچارد پازنر ضمن کارآمد دانستن مسئولیت محدود، با خرق آسان حجاب شخصیت حقوقی شرکت‌ها مخالفت می‌کند. به باور پازنر، حقوق باید در مقابل سوءاستفاده از

¹ - Henry Hansmann et al., The Essential role of Organizational Law, P 28

² - Blumberg, "Limited Liability and Corporate Groups", p576.

³ - Reinier Krakman et al., The Anatomy of Corporate Law (A Comparative and Functional Approach), P 9.

مسئولیت محدود بایستد ولی به قاعده مسئولیت محدود نیز پایبند بماند. وی خاطر نشان می‌سازد نفوذ آسان و همیشگی در پوشش شخصیت حقوقی شرکت و نادیده گرفتن مسئولیت محدود، نقدینگی سهام را در بازار غیرممکن می‌سازد.^۱

آنچه که به عنوان سوال اصلی این پژوهش مطرح است، این است که خرق حجاب و بالتبع تحمیل مسئولیت نامحدود به سهامدار در قبال دیون شرکت، چگونه می‌تواند به لحاظ اقتصادی کارا و سودمند باشد؟ به نظر می‌رسد با توسل به مفاهیمی که در علم اقتصاد رایج است، می‌توان خرق حجاب را به لحاظ اقتصادی کارآمد توصیف نمود.

نگارندگان این پژوهش پس از ذکر مقدمه و بیان تاریخچه پیدایی مسئولیت محدود، به بیان اهمیت و نقش بسیار سازنده و بنیادین این قاعده پرداخته و پس از تاکید بر لزوم پایبندی به قاعده و حفظ آن در صدد هستند که در فرض تحقق معیارها و ضوابط خرق حجاب از جمله عدم رعایت مقررات شکلی و قانونی شرکت، تشکیل شرکت با سرمایه ناکافی و اعمال کنترل و تقلب از سوی سهامداران که ناظر بر خواندگان فردی و شرکتی و در حوزه مسئولیت‌های قراردادی و غیر قراردادی می‌باشد را از منظر تحلیل اقتصادی و با استفاده از ابزار، مفاهیم و نظریه‌های علم اقتصاد، به ویژه کارایی، و با بهره‌مندی از روش توصیفی - تحلیلی، کنار گذاشتن قاعده مسئولیت محدود، و در نتیجه مسئول شناختن شرکا و سهامداران شرکت را، به لحاظ اقتصادی کارآمد و کارا توصیف نماید. در تبیین تحلیل اقتصادی حقوق لازم به ذکر است که این ترکیب به رویکردی اطلاق می‌گردد که برای درک حقوق و نهادهای آن با استفاده از ابزار و مفاهیمی که اقتصاددانان، بازار و سایر موضوعات اقتصادی را تحلیل می‌کنند، قواعد، نهادها و موضوعات حقوقی تحلیل می‌گردد. از میان مفاهیم و ایده‌های اساسی اقتصادی، سه مفهوم حداکثر سازی^۲، تعادل^۳ و کارایی، مفاهیمی بنیادین به شمار می‌روند که در درک و تبیین قواعد حقوقی، نقش اصلی ایفا می‌کنند.^۴ بنابراین، آنچه که این مقاله در صدد بیان آن است و جنبه نوآوری و فرضیه این پژوهش محسوب می‌گردد، بیان این مطلب است که نادیده گرفتن شخصیت حقوقی شرکت تجاری و در نتیجه مسئول شناختن سهام‌داران و شرکاء شرکت با توجه به تحقق معیارها و ضوابط یاد شده، از نظر منطق اقتصادی کارآمد و سودمند می‌باشد.

۱- تعریف واژگان تخصصی

-
- ۱- عابدی، نظام حقوقی حاکم بر گروه شرکت‌ها، ۱۳۹۶، ص ۲۰۱
 - ۲- یکی از فرضیات بنیادین اقتصاد خرد حداکثر سازی است. بر اساس این فرضیه افراد در تصمیمات خود در صدد به حداکثر رساندن منافع خود می‌باشند و اساسا هدف از تشکیل بنگاه اقتصادی، جلب سود حداکثری می‌باشد.
 - ۳- مفهوم تعادل برای بیان یک وضعیت ثابت به کار می‌رود که در آن برآیند نیروهای متعارض یکسان یا متساوی است.
 - ۴- طوسی، عباس، متدولوژی حقوق و اقتصاد، ۱۳۹۰، ص ۲۵۴

- گروه شرکت ها: در نظام حقوق تجارت، گروه شرکت‌ها به حداقل دو شرکت گفته می‌شود که با یکدیگر رابطه سهامداری دارند.
- شرکت هلدینگ (مادر): شرکتی که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه پذیر جهت کسب انتفاع، آنقدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیأت مدیره را انتخاب کند و یا در انتخاب اعضای هیأت مدیره مؤثر باشد.
- شرکت تابعه (فرعی): شرکت تجاری که به طرق پیش‌بینی شده در اساسنامه و یا هر نحو از قبیل کسب اکثریت مدیران، تحت کنترل شرکت دیگر باشد، شرکت تابعه یا فرعی نامیده می‌شود.
- خرق حجاب: عبور از شخصیت حقوقی شرکت تجاری به منظور تحمیل مسئولیت نامحدود بر سهامداران و شرکای شرکت در قبال دیون شرکت.
- کارایی: کارایی عبارت است از استفاده از منابع اقتصادی به منظور تحصیل بالاترین ارزش‌ها یا کسب حداکثر منافع با حداقل هزینه‌ها.

۲- مفهوم مسئولیت محدود و مزایای آن

مسئولیت محدود که به مفهوم تحدید مسئولیت شرکا به میزان آورده خود در شرکت می‌باشد، از دستاوردهای مهم حقوق شرکت‌های مدرن است. در بیان اهمیت این قاعده، برخی آن را حتی مهم‌تر از اختراعات و ابتکارات صنعتی معرفی کرده و اختراعات بزرگ همچون برق و نیروی بخار را در مقایسه با آن ناچیز قلمداد کرده‌اند. امروزه این قاعده تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی دنیا یک ویژگی نهادی در شرکت‌های تجاری بوده و از لحاظ تاریخی به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای جذب و انباشت سرمایه‌ها و وسیله مهمی برای تقویت توسعه اقتصادی از رهگذر ایجاد شرکت سهامی محسوب می‌گردد.^۱

این قاعده برای سهامداران شرکت ممکن است به چند دلیل توجیه شود؛ اولاً، مسئولیت محدود موجب کاهش هزینه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری سهام شده و از سوی دیگر، کاهش این احتمال که سهامداران شخصاً در قبال بدهی‌های شرکت مسئول باشند، ارزشی را که سهامداران برای سهام شرکت قائل می‌شوند، افزایش می‌دهد و در نتیجه هزینه‌های مرتبط با نگهداری چنین سرمایه‌گذاری‌هایی کاهش می‌یابد. نویسندگان همچنین استدلال کرده‌اند که مسئولیت محدود، هزینه‌های مرتبط با نیاز سهامداران برای نظارت بر فعالیت شرکت را کاهش می‌دهد؛ آبدین توضیح که با توجه به تعارض منافع موجود بین صاحبان سهام و عاملان گردش سرمایه در شرکت، نظارت بر عملکرد ایشان ضرورت یافته که این خود مستلزم تحمیل هزینه‌های نظارتی است. همچنین مسئولیت محدود، انتقال سهام را تسهیل می‌کند و بنابراین به مدیران شرکت انگیزه می‌دهد تا به نحو احسن عمل کنند.

۱ - طوسی، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ۱۳۹۳، ص ۲۲۵

در بیان دیگر، مزایای اقتصادی مسئولیت محدود، به امکان تنوع در سرمایه‌گذاری اشاره شده و در این باره گفته شده است که مسئولیت محدود، تنوع در سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌نماید. از آنجایی که دارایی‌های شخصی سرمایه‌گذاران با هر میزان در معرض خطر قرار می‌گیرد، سهامداران از قرار دادن سرمایه خود در معرض خطر اضافی ناشی از مسئولیتی که همراه با سرمایه‌گذاری در طیف گسترده‌ای از شرکت‌هاست، اجتناب می‌کنند.

اگرچه مزایای قابل‌توجهی در ارتباط با مسئولیت محدود وجود دارد، اما این دکتین مطلق نیست. بنابراین اگر به‌عنوان نمونه بتوان اثبات کرد که سهامدار بر شرکت تسلط یا کنترل بیش‌ازحد معمول و نامتعارف دارد یا از شکل شرکت برای فریب کلاه‌برداری و اعمال ناعادلانه سوءاستفاده شده یا شرکت با قصد تقلب، با سرمایه ناکافی تأسیس شده است، می‌توان مسئولیت محدود را نادیده انگاشته و سهامداران را مسئول ایفاء دیون شرکت قلمداد نمود.

۳- تحلیل اقتصادی و معیارهای خرق حجاب

همانگونه که در مقدمه ذکر شد، تحلیل اقتصادی به رویکردی اطلاق می‌گردد که برای درک حقوق و نهادهای آن با استفاده از مفاهیمی که اقتصاددانان، موضوعات اقتصادی را تحلیل می‌کنند، قواعد، نهادها و موضوعات حقوقی تحلیل می‌گردد. بنا براین، تحلیل اقتصادی، منطق اقتصادی و ابزارها و روش‌های علم اقتصاد را به خارج از حوزه علم اقتصاد و به‌خصوص علم حقوق یعنی حوزه رفتارهای غیر بازاری یا خارج از بازار تسری داده است.^۱

پس از درک مفهوم تحلیل اقتصادی، در این قسمت یک تحلیل اقتصادی از معیارهای خرق حجاب مطرح می‌گردد. اگرچه همان‌گونه که پیشتر ذکر شد مزایای قابل‌توجهی در ارتباط با مسئولیت محدود وجود دارد، اما این قاعده به نحو مطلق پذیرفته نشده و در خصوص اجرای آن استثنائاتی مطرح گردیده که در صورت اجتماع شرایط خاصی، این قاعده نادیده گرفته شده است. در اینجا ما بررسی خواهیم کرد که آیا ضوابط و معیارهای اعمال‌شده توسط نویسندگان و در حوزه عمل توسط دادگاه‌ها، از نقطه نظر اقتصادی قابل توجیه است یا خیر؟ و همچنین آیا استدلال دادگاه‌ها در اجرای این ضوابط از منطق اقتصادی بر خوردار است؟ و اساساً پیامدهای اقتصادی خرق حجاب شرکتی چیست؟

اما در خصوص معیارهای خرق حجاب که با تحقق آنها، نفوذ در شخصیت حقوقی شرکت تجاری توجیه می‌گردد، ابزاری بودن شرکت، نقطه عزیمت و محور اساسی بحث است. در تبیین و توصیف این عنوان گفته می‌شود که ابزاری بودن در نظام حقوق شرکت‌ها بدین معناست که یک شرکت برای دستیابی به منافع خود، خلق و اداره نمی‌شود، بلکه برای پیشبرد منافع یک طرف صاحب سلطه و کنترل‌کننده بکار گرفته می‌شود.

بر اساس مطالعه تامپسون، زمانی که دادگاه‌ها ابزاری بودن یک شرکت را در نظر می‌گیرند، خرق حجاب در ۹۷,۳۳ درصد موارد اعمال می‌گردد و در فرضی که ابزاری بودن به‌عنوان یک عامل توسط دادگاه‌ها مورد اعتنا و توجه نبوده است، حجاب شرکت خرق نشده است.^۱

عمده عواملی که در خصوص ابزاری بودن مورد توجه است را می‌توان در پنج موضوع کلی طبقه‌بندی کرد: عدم استقلال شرکت، عدم رعایت مقررات قانونی و شکلی مربوط به تشکیل شرکت، تأسیس شرکت با سرمایه ناکافی، نظریه تقلب و آلتراایگو (دیگر خود).

۱-۳- عدم استقلال یک شرکت (آموزه اختلاط دارایی)

آموزه اختلاط دارایی یکی از آموزه‌هایی است که هم در کامن لا و هم در حقوق نوشته برای توجیه نادیده گرفتن شخصیت حقوقی مستقل شرکت از سهامدار مطرح شده است.^۲ زمانی که یک شرکت با یک شخص مسلط به نحوی مرتبط باشد که از وجود مستقل خود و از نیل به هدف یا خودکفایی خود صرف‌نظر می‌کند، می‌توان ادعا نمود که چنین شرکتی وابسته بوده و وجود مستقلی ندارد. تئوری ابزاری بودن یک شرکت نه تنها بر وابستگی به یک موجودیت مسلط و کنترل‌کننده تمرکز می‌کند، بلکه بر هویت نیز حاکم است.

به نظر می‌رسد این معیار، ضابطه مناسبی برای خرق حجاب است. آنچه در خصوص تأسیس یک شرکت واجد اهمیت است، این است که یک شرکت بتواند به‌طور غیر وابسته فعالیت کند. البته، شرکت‌ها همیشه نهادهای کاملاً مستقلی نیستند؛ روابط با سهامداران از جمله شرکت‌های مادر ممکن است قوی و نزدیک باشد و عملیات تجاری ممکن است با شرکت‌های مادر درهم‌تنیده باشد. با این وجود، تا زمانی که یک شرکت به‌عنوان یک وجود مستقل به فعالیت می‌پردازد، شکل سازمانی شرکت حفظ می‌شود. بنابراین زمانی که سهامداران با ایجاد یک شرکت که با همه معیارها، بخش عملیاتی شرکت اصلی است و نتیجتاً با وجود آن دیوار دوم مسئولیت محدود بین سهامداران اصلی خود و عملیات تجاری شرکتشان ایجاد می‌شود، می‌توان ادعا کرد شرکت وجود مستقلی ندارد.

از دیدگاه قانون و اقتصاد، چنین استفاده‌ای از یک شرکت منجر به تخصیص ناکارآمد سرمایه از نظر اقتصادی می‌شود، زیرا باعث ایجاد سرمایه‌گذاری نامناسب در قبال ریسک می‌شود. هنگامی که یک سرمایه‌گذاری تجاری مخاطره‌آمیز انجام می‌شود، همچنان جزء لاینفک یک واحد تجاری یا پروژه شرکت مادر باقی می‌ماند و در واقع می‌توان آن را تحت سلطه شرکت مادر در نظر گرفت و ریسک شرکت فرعی در واقع بخشی از تعهدات شرکت مادر محسوب است. اگر این ریسک در شرکت دوم به درستی محاسبه نشود، پاداش‌ها متناسب با خطراتی که در واقع روبرو هستند در نظر گرفته نمی‌شوند. این امر باعث جذب سرمایه

1 - Thompson, Robert B., (1991), p. 1063-1064.

۲ - عبادی فیروزجایی، ابراهیم، نظام حقوقی حاکم بر گروه شرکت‌ها، ۱۳۹۶، ص ۲۰۳

ناکارآمد می‌شود. با توجه به اینکه اگر همه ریسک‌ها در سرمایه‌گذاری درونی شده و در نتیجه قابل مشاهده باشند، سرمایه‌گذاران وجوه زیادی را در کاری با مخاطرات مخفی کننده ریسک قرار می‌دهند و فریب پادشاه‌های بالقوه را می‌خورند و این به ضرر سایر پروژه‌هایی است که نیاز به سرمایه دارند، سرمایه‌گذاری‌هایی که اگر همه ریسک‌ها به درستی محاسبه و فرض شده بود، تضمین شده و موفق بودند.

۲-۳- عدم رعایت مقررات شکلی و قانونی شرکت

به‌طور کلی محاکم به‌منظور احراز عدم رعایت مقررات شکلی و قانونی شرکت که می‌تواند منتهی به سلطه و کنترل نامتعارف بر شرکت تابعه گردد، عوامل مختلفی را مدنظر قرار می‌دهند. از جمله این عوامل می‌توان به تشریفات انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرسین شرکت، نگهداری دفاتر شرکتی جداگانه، استخدام حسابرس مستقل و همچنین تشریفات شرکتی شامل برگزاری جلسات سالانه مناسب با تنظیم صورت‌جلسه و رعایت کلی پروتکل رسمی شرکت اشاره نمود.^۱

به نظر می‌رسد بی‌توجهی به تشریفات شرکتی را باید صرفاً نشانه‌ای از نقص بزرگ‌تر در یک شرکت در نظر گرفت. بدین معنا که نباید آن را به‌عنوان شرایطی که به‌خودی‌خود حکایت از ابزاری بودن دارد، واجد اهمیت دانست؛ بنابراین فقدان تشریفات شرکتی و عدم رعایت آن از این جهت که منجر به کنترل و سلطه بیش از حد بر شرکت تابعه شده و ساختگی و ابزاری بودن آن را القاء نماید، مورد توجه است.

استناد دادگاه‌ها به معیار عدم رعایت مقررات قانونی و شکلی، برای احراز سلطه و کنترل شرکت مادر بر شرکت تابعه با این استدلال قابل توجیه است که اگر کلیه مقررات شکلی و قانونی مربوط به شرکت رعایت شود، این امر مانع از ارائه اطلاعات اشتباه به اشخاص ثالث طرف معامله می‌شود. در نتیجه حقوق اشخاص ثالث نیز حفظ می‌شود و در صورتی که این مقررات قانونی رعایت نشود و شخصیت حقوقی مستقل شرکت مورد سوءاستفاده واقع شده و سبب ورود خسارت به اشخاص ثالث گردد، شرکا دیگر حق استناد به شخصیت حقوقی مستقل شرکت و متعاقباً فرار از مسئولیت را ندارند.^۲ بنا بر مطالعات تامپسون، در مواردی که بی‌توجهی به رعایت تشریفات شرکتی احراز گردیده است، در ۶۷ درصد موارد حجاب شرکت‌ها توسط دادگاه‌ها خرق گردیده است.^۳

اما آنچه ذکر آن در اینجا لازم است این است که در اعمال ضابطه فوق باید محتاطانه عمل نمود؛ اگر دادگاه‌ها پایبندی ناکافی به تشریفات شرکتی را دلیل مهم ابزاری بودن بدانند، به‌طور ناخواسته به

^۱ - David, M.(2007), "Piercing The Corporate Veil, Financial Responsibility and the Limits of Limited Liability", P.32

^۲ - موسوی، محمد، حدود استقلال شخصیت حقوقی شرکت تابعه از شرکت مادر و آثار مترتب بر آن، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و امریکا، ۱۳۹۹، ص ۸۱

^۳ - Thompson, Robert B (۱۹۹۱). "Piercing the Corporate Veil: An Empirical Study", pp ۱۰۳۶-۱۰۷۴

شرکت‌هایی که به منابع مالی بیشتری دسترسی دارند، مزیت بیشتری نسبت به شرکت‌های دارای کمبود نقدینگی می‌دهند؛ زیرا شرکت‌های نخست به خلاف شرکت‌های فاقد نقدینگی، قادر به تخصیص زمان و نیروی کار برای برآوردن الزامات خواهند بود. بنابراین نه تنها شرایط آغاز فعالیت برای استارت‌آپ‌ها، و کسب‌وکارهای کوچک که کم سرمایه هستند، دشوار می‌گردد، بلکه موانع ورود نیز گسترش می‌یابد.

۳-۳- سرمایه‌گذاری ناکافی

یکی از معیارهای مهم برای نادیده گرفتن مسئولیت محدود و اثبات تحقق سلطه و کنترل بر شرکت تابعه که به طور چشمگیری مورد توجه قرار گرفته است، تأسیس شرکت با سرمایه کم است. در تبیین و توجیه این ضابطه گفته شده است؛ به هر میزان که شرکت با سرمایه نامناسب تأسیس گردد، انگیزه سهامداران برای ورود به فعالیت‌های پرخطر فزونی می‌یابد.^۱

طبق رویه قضائی آمریکا، دادگاه‌ها عموماً در مواردی که میزان سرمایه به طور محسوسی کم باشد، تمایل به کنار گذاشتن شخصیت شرکت داشته است. همچنین به عقیده نویسندگان و دادگاه‌ها، معیار فوق علاوه بر طلبکاران غیرارادی در خصوص بستانکاران قراردادی و ارادی نیز قابل اعمال است.^۲

منطق این یکسان‌سازی نیز روشن است. در فرضی که به طلبکار ارادی این موقعیت داده می‌شود که بتواند با مدنظر قرار دادن سرمایه شرکت، اقدام به معامله کند، شرکت نیز ناچار است از کتمان نمودن وضعیت دارایی خود خودداری کند. متعاقباً طلبکار نیز مختار است یا اصلاً اقدام به بستن قرارداد نکند و یا اینکه با فرض تحقق ضرر ناشی از ریسک بالا، معامله کرده و در نتیجه تبعات آن را نیز بپذیرد. از سوی دیگر، طلبکار می‌تواند با ملاحظه وضعیت دارایی شرکت، پیش‌پرداخت، ضمانت‌های شخصی و یا تضمین‌های دیگری را مطالبه کند. تحت هر کدام یک از شرایط پیش‌گفته، شرکت برای درگیر شدن در فعالیت‌های پرخطر، ناگزیر از پرداخت هزینه خواهد بود و بنابراین منطق اقتصادی ایجاب می‌کند که سهامداران انگیزه دوچندانی برای متعادل نمودن منافع و هزینه‌های اجتماعی خود پیدا کنند.

معیار نامناسب بودن سرمایه شرکت، در مقام اجرا با مسائلی همراه است، از جمله اینکه؛ مشخص نیست که چه میزان سرمایه باید وجود داشته باشد تا یک شرکت، کم سرمایه محسوب نگردد؛ معمولاً در این زمینه به طور کلی گفته می‌شود که شرکت باید با سرمایه کافی تأسیس گردد. به طوری که بتواند اهداف اعلام شده خود را انجام دهد.

۱ - موسوی، محمد، پیشین، ص ۸۲

2 - The Economic Structure of .(۱۹۹۶). Easterbrook, Frank H. and Fischel, Daniel R
۵۹Law, p Corporate

در پرونده موسوم به «مجموعه مراکز مراقبتی علیه هامیلتون» عبارت عدم تأمین سرمایه کافی بدین نحو توصیف شده است: «شرکت با چنان سرمایه ناچیزی تشکیل گردد که اهداف اعلام شده در آن قابل تحقق نباشد و به روشنی قابل استنباط باشد که شرکت اساساً برای اغراض نامشروع ایجاد شده است.»^۱

به نظر می رسد به منظور ارائه یک معیار مناسب، زمانی که یک شرکت بتواند از انجام عملیات خود برآید و تمام قراردادهای را اجرا کرده و حقوق اشخاص ثالث طرف قرارداد را حفظ و رعایت کند، می توان ادعا نمود که شرکت با سرمایه کافی تشکیل شده است. باین حال، حتی در هنگام اعمال چنین معیار گسترده‌ای، مواجهه با یک شرکت با سرمایه کم در فرضی که سهامداران باور قطعی به انجام فعالیت‌ها و ایفاء تعهدات داشته‌اند، اجتناب‌ناپذیر است.

البته این سکه روی دیگری هم دارد؛ وقتی ثابت می‌شود که سرمایه ناکافی و نامناسب معلول و نتیجه رفتار متقلبانانه و توأم با حيله شرکا و سهامداران است، باید تمامی موانع بر سر راه خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت را نادیده انگاشته و به راحتی قاعده مسئولیت محدود را کنار گذاشت و بر این نظر پافشاری نمود که ریسک‌پذیری ناکارآمد از نظر اقتصادی ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری است.

چراکه امروزه این اتفاق نظر وجود دارد که ایجاد شرکت با سرمایه ناکافی، عوارض خارجی را بر طلبکاران شرکت تحمیل می‌کند و بنابراین از منظر اقتصادی ناکارآمد است.^۲ بر اساس تحقیقات تامپسون، زمانی که دادگاه‌ها در آراء خود به سرمایه ناکافی توجه کرده‌اند، حجاب شرکت حدوداً ۷۴ درصد خرق گردیده که حاکی از این است که در اجرای استثناء، سرمایه نامناسب عامل مهمی محسوب می‌گردد.^۳

در دعوی مینتون علیه کاونی که شرکت خوانده به اندازه کافی از سرمایه برخوردار نبوده است، رأی دادگاه برای خرق حجاب شرکت، به نظر مطابق قانون و اقتصاد بوده است. در این پرونده روشن بود که سهامداران شرکت تلاشی برای تأمین سرمایه مناسب شرکت نکرده‌اند، در واقع شرکت حتی نمی‌توانست اجاره‌های خود را که هزینه اصلی عملیاتی آن است، بپردازد. از آنجایی که کاونی آشکارا هیچ ریسکی در تشکیل شرکت نپذیرفته بود، چرا باید قاعده مسئولیت محدود از او محافظت کند؟^۴

۳-۴- نظریه تدلیس و تقلب

تقلب از نظر لغوی به معنای قلب حقیقت و بازگونه جلوه دادن آن است که در عین حال سوءنیت را در تقدیر دارد و تمسک بدان منجر به سوءاستفاده از ابزار، وسایل و امکانات موجود می‌شود.^۵

1 - Douglas G. Smith, op.cit., P 655

2 - Ibid, p 60

3 - ۱۰۶۴ op.cit., p ., Thompson, Robert B

4 - ۶۲ op.cit., p ., Easterbrook, Frank H. and Fischel, Daniel R

۵ - علیرضا مسعودی، ضمانت نامه های بانکی در حقوق ایران و تجارت بین الملل، ۱۳۹۷، ص ۲۰۶

از دیگر موارد کنار زدن مسئولیت محدود، جایی است که شرکا مرتکب تقلب شده باشند. این موضوع وقتی صادق است که سهامداران شرکت در خصوص ماهیت فعالیت‌های خود، توانمندی‌های اجرایی و فنی یا وضعیت مالی خود به دیگران اطلاعات خلاف واقع داده باشد، یا این که طلبکاران بدین امر اغواء گردیده باشند که شرکت از پشتوانه‌های مالی دیگر شرکت‌ها برخوردار بوده یا وقتی مدیران شرکت تصریح نموده باشند که شرکت مادر، ضامن دیون شرکت تابعه بوده یا این که دو شرکت مادر و فرعی از اسامی مشابهی برخوردار باشند، به شکلی که طلبکاران تصور کنند با شرکت مادر معامله می‌کنند.^۱

ریچارد پازنر علیرغم وفاداری به مسئولیت محدود، در دو مورد عبور از شخصیت شرکت را اجتناب‌ناپذیر می‌داند: ۱- درجایی که شرکا با سوءنیت و تحت لوای مسئولیت محدود، شرکت خود را تجزیه نموده و آن را به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم نموده‌اند. مانند موردی که یک بنگاه تاکسیرانی به منظور اجتناب از مسئولیت ناشی از رانندگی، چند بنگاه دیگر با سرمایه اندک ایجاد نموده است ۲- مورد دیگر زمانی است که تدلیس و اظهارات اغواء کننده، موجب گمراهی بستانکاران می‌گردد.^۲

علت اینکه تقلب و اظهارات خلاف واقع، مسئولیت محدود را نقض می‌کند، از نظر تحلیل اقتصادی روشن است؛ برای اینکه طلبکاران بتوانند زیان‌های ناشی از فعالیت‌های شرکت را آگاهانه تقبل نمایند، باید بتوانند ریسک ناشی از فعالیت‌های مذکور را صحیح مورد ارزیابی قرار دهند. اطلاعات نادرست، قدرت ارزیابی ریسک را از طلبکاران سلب می‌کند و در نتیجه باعث تحمیل هزینه‌های فعالیت‌های مخاطره‌آمیز به آن‌ها می‌شود. لذا به منظور تقلیل هزینه‌های اجتماعی اعمال یا تحمیل آن بر خود عاملان، جانشینی مسئولیت نامحدود به جای مسئولیت محدود از کارایی بیشتری برخوردار است.^۳

در حقوق انگلستان اعمال تقلب، به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای خرق حجاب مورد توجه دادگاه‌ها قرار داشته است. زمانی که با انگیزه‌های نامشروع، اقدام به تأسیس شرکتی می‌شود که هدف از آن فریب اشخاص ثالث می‌باشد، محاکم این کشور در خرق کردن حجاب شرکت تردید نکرده‌اند.^۴ به نظر می‌رسد تقلب در تمام کشورها، به عنوان یک استثناء، قادر به تخصیص زدن تمام قواعد حقوقی می‌باشد.

۵-۳- آموزه آلترا ایگو (دیگر خود)

در اواخر قرن بیستم، دادگاه‌ها در احکام خود مبنی بر خرق حجاب شخصیت حقوقی از اصطلاحات رایج در مقررات حاکم بر نمایندگی از جمله استفاده ابزاری، شخصیت جایگزین (دگر خود یا خود دیگر یا مثل

^۱ - عباس طوسی، همان، ص ۲۴۷

^۲ - Posner, Richard, Economic Analysis of Law, 1975, 394

^۳ - همان، ۲۴۷

^۴ - احمدی نیا، فرشته و همکاران، بررسی تطبیقی مبانی خرق حجاب شرکت در حقوق انگلستان، ایالات متحده آمریکا و ایران،

۱۳۹۸، ص ۱۴

من / همان من یا تنقب^۱) استفاده می‌کردند. به مرور، نظریه استفاده ابزاری به عنوان یکی از مبانی خرق شناخته شد.^۲

این نظریه که به آلتراپگو یا اصیل واقعی موسوم است، آموزه‌ای است که بر پایه آن، دادگاه‌ها، شکل ظاهری شرکت را نادیده گرفته و با عبور از شخصیت شرکت، سهامداران و شرکاء شرکت را به عنوان طرف اصلی در تقابل با بستانکاران محسوب می‌کنند.

مبنای این نظریه، مبتنی بر این واقعیت است که هر گاه شخصی (شرکت) به اندازه‌ای تحت تاثیر شخص یا اشخاص کنترل کننده باشد به گونه‌ای که آنچنان وحدت مالکیت و منافع وجود داشته باشد که جدایی شرکت از بین رفته باشد و پایبندی به موجودیت یک چنین شرکتی (شرکتی جداگانه) باعث تداوم تقلب و یا ترویج بی عدالتی گردد؛ وجود مجزای شرکت نادیده گرفته می‌شود. منطق اعمال چنین آموزه‌ای روشن است؛ در واقع اگر خود سهامداران به قاعده استقلال و جدایی شرکت توجه نکنند، قانون نیز در فرضی که احراز کند شرکت برای دستیابی به منافع خود ایجاد نگردیده بلکه به عنوان ابزار، برای پیشبرد منافع اشخاص صاحب سلطه و کنترل کننده خلق گردیده است تا آنجایی که برای حمایت از حقوق بستانکاران حقیقی و حقوقی ضرورت داشته باشد، به آن توجه نخواهد کرد.

در دکترین آلتراپگو، به چنین شرکتی که به عنوان یک آلت دست در دست سهامداران قرار گرفته و با نادیده گرفتن شخصیت مستقل شرکت و با استفاده ابزاری از آن به منظور سوء استفاده، معاملاتی را برای خود انجام می‌دهند، شرکت اسیر اطلاق^۳ می‌گردد. در یک چنین وضعیتی، در موضوع تعهدات شرکت اسیر، باید حکم به مسئولیت همان سهامداران کنترل کننده و مسلط داد.

به بیان دیگر، این قبیل شخصیت‌های حقوقی را که آلت فعلی^۴ بیش نیستند، نمی‌توان اصیل تلقی کرد و زوال شخصیت حقوقی آنان، ضمانت اجرای مدنی تبری متقلبانه مسئولیت در قبال اشخاص ثالث است.^۵ رویه قضایی آمریکا نیز زمانی یک شرکت را اصیل واقعی تلقی می‌کند که از شرکت تابعه به عنوان پوششی صرف برای معامله (شرکت مادر) با اشخاص ثالث بدون توجه به شخصیت شرکت استفاده شود.^۶ این تاسیس حقوقی نخستین بار در دادگاه عالی کالیفرنیا در سال ۱۹۲۱ در پرونده مینی فی علیه رولی، مورد توجه قرار

¹ Alter ego

^۲. زارع، ملیحه، خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، ۱۳۹۲، ص ۴۳

³ Captive company

⁴ Instrumentality

^۵. نصیری، مرتضی، اصیل واقعی و آلتراپگو، ۱۳۶۴، ص ۲۲۰

⁶ Nicholas. A. (2012), "Reverse Piercing of the Corporate Veil: A Straightforward Path to Justice", NYSBA NY Business Law Journal , Vol. 16, No. 1.p 2

گرفت. در این پرونده، دادگاه عناصر و شرایط قاعده اصیل واقعی را بیان کرد و سپس مورد توجه سایر دادگاه ها قرار گرفت.^۱

اگرچه این قاعده ریشه در حقوق غربی دارد و در نظام حقوقی ایران مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است؛ لکن از قرن‌ها پیش در حقوق اسلام، قواعد مشابهی با همین کارکرد، توسط فقیهان مطرح گردیده است؛ از جمله این قواعد می‌توان به "قاعده غرم"^۲ اشاره نمود. این قاعده که به معنای تلازم بین خسارت و فائده است بیان می‌دارد هر کس که از یک مال (یا عمل حقوقی یا غیرحقوقی) منفعت می‌برد، خسارات ناشی از این انتفاع نیز بر عهده اوست.

به نظر می‌رسد با اخذ مفهوم کلی از این قاعده بتوان آن را ناظر به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه خسارت دانست. بنابراین، این قاعده با دید وسیع به قواعد عمومی قراردادهای، دامنه‌ای گسترده‌تر از نظریات حقوقدانان غربی، از جمله نظریه نمایندگی یا اصیل واقعی را پوشش می‌دهد.^۳

در حقوق اسلام، علاوه بر قاعده غرم می‌توان از "قاعده لاضرر"^۴ نیز به عنوان دلیلی که نفی حکم ضرری می‌کند یاد نمود. به موجب این قاعده هیچ حکم ضرری و ضرر غیر متدارک در اسلام و جود ندارد. مفاد قاعده مذکور در اصل ۴۰ قانون اساسی^۵ نیز متجلی گردیده است.

با استعانت از این قاعده می‌توان گفت اگر شرکت تجاری (مادر) بواسطه تصاحب اکثریت سهام شرکت فرعی، هدایت و کنترل آن را در اختیار گرفته و با اعمال سوء استفاده، موجبات ورود ضرر به اشخاص ثالث را فراهم آورده است. از سوی دیگر، غالباً اشخاص ثالث به اعتبار کل گروه، اقدام به معامله با شرکت فرعی می‌نمایند. منطقی و منصفانه است که همانگونه که شرکت مادر در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی کسب سود می‌کند، به واسطه اعمال کنترل، نظارت و هدایت در زمان ورشکستگی شرکت فرعی نیز باید از عهده دیون آن برآید. لذا با تمسک به لاضرر می‌توان ضرر اشخاص ثالث زیان دیده را از طریق مراجعه به شرکت مادر، جبران نمود.

علیرغم عدم توجه و تنصیص مقررات از سوی قانونگذار در این باره، نخستین بار در پرونده مشارکت ریدینگ و بیتز علیه شرکت ملی نفت ایران، نظام حقوقی ایران، با قاعده اصیل واقعی روبرو شد. سابقه اختلاف به اول نوامبر ۱۹۷۷ میلادی باز می‌گشت که مشارکت مذکور دو قرارداد با شرکت خدمات نفت ایران معروف به

^۱ Jennifer, J. Hagan.(2007), "The Alter-Ego Doctrine Exception In California Corporate Law", The Hagan Law Firm, Vol.650 P20

۲. من له الغنم فعلیه الغرم

۳ شید، بابک و محسن ایزانلو، گسترش قلمرو داوری در پرتو نظریه اصیل واقعی و مطالعه تطبیقی با حقوق ایران، سال ۱۳۹۶، ص ۱۹۲

۴. لاضرر و لاضرار فی الاسلام

۵. "هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد."

۶. READING & BATES CORPORATION, Reading & Bates Exploration

اسکو^۱ منعقد نمود. اولین قرارداد، «اجاره لخت کشتی»^۲ بود که مطابق آن، یک دکل حفاری به مدت ۳ سال به اجاره اسکو در آمد و دومی «قرارداد حفاری» برای اجرای دکل نفتی بود. در همان زمان، وفق «قرارداد ارائه خدمات» مورخ ۱۹ جولای ۱۹۷۳ میلادی اسکو در برابر شرکت ملی نفت ایران، متعهد هدایت و رهبری عملیات اکتشاف نفت و گاز متعلق به کنسرسیوم نفت بود و در مقابل نیز شرکت ملی نفت ایران، سرمایه لازم جهت اجرای «قرارداد خدمات» را تأمین می نمود.^۳

در نتیجه عدم پرداخت فاکتورهای ارسالی و متعاقباً حدوث اختلاف در سال ۱۹۷۸ در نتیجه شرط مندرج داوری در قرارداد، حل و فصل اختلاف به داوری ارجاع شد. مشارکت ادعا نمود که عدم پرداخت صورت حساب، موجب فسخ قرارداد است. مشارکت (خواهان) با این ادعا که شرکت ملی نفت ایران بر اسکو هدایت و مالکیت داشته است، هر دو شرکت را خواننده دعوی داوری قرار داد.

شرکت ملی نفت ایران، در مقام پاسخ به دعوی خواهان ایراد عدم توجه دعوی مطرح نموده و اظهار داشت که این شرکت قرارداد اجاره با شرکت خواهان منعقد نموده است و اساساً اسکو واجد شخصیت حقوقی مستقلی می باشد و شرکت ملی نفت ایران، هیچگونه سهم یا منافع در آن و یا کنترلی بر آن نداشته است و بر طبق قوانین ایران، رابطه این شرکت با اسکو یک رابطه کارفرمایی و پیمان کاری است. مضافاً اینکه اصل نسبی بودن آثار قرارداد اقتضاء دارد که آثار عقد متوجه اطراف آن باشد و در نتیجه این اصل مانع از تعمیم آثار قرارداد به این شرکت به عنوان شخص ثالث می باشد. مرجع حل اختلاف داوری، با ملاحظه پرونده و بررسی اوضاع و احوال حاکم بر موضوع به این نتیجه رسید که شرکت خواننده (شرکت ملی نفت ایران) با توجه به میزان کنترلی که بر شرکت اسکو دارد یک اصیل واقعی است و دفاع خواننده مبنی بر اینکه طرف قرارداد با خواهان نبوده است مردود و این شرکت را ملتزم به داوری اعلام نمود.

بنابراین، عاملی مانند تسلط کامل بر یک شخص حقوقی، زیر عنوان نظریه اصیل واقعی، مبنایی جهت گسترش قلمرو شخصی موافقت نامه داوری به اشخاصی قرار گرفت که ظاهراً نسبت به قرارداد، ثالث تلقی می شدند. نظریه ای که حکایت از آن دارد که یک شرکت تابعه یا خدماتی ممکن است تحت تسلط یک شرکت ارشد یا مادر باشد، شرکت مسلط بر دیگری، ممکن است مسئول تقصیرهای شرکت تابعه قرار گیرد.^۴

۴- خرق حجاب در آرای برخی دادگاه های ایران

همانگونه که پیشتر گفته شد، علیرغم پذیرش آلت رایگو در حقوق سایر کشورها، در نظام حقوقی ایران توجهی به این آموزه نگردیده است. شاید علت عدم این اقبال، این است که در نظام حقوقی ایران انصاف که عمدتاً

^۱ Osco

^۲ Bareboat Charter

۳. شید، بابک، و ایزانلو، محسن، همان، ص ۱۸۵

۴. همان، ص ۱۸۶

مبنای این نظریه در حقوق غربی می‌باشد، برای قانونگذار ایرانی و حقوقدانان داخلی چندان شناخته شده نیست. با این وجود، برخی محاکم در نظام حقوقی ایران گام‌های موثری در جهت شناساندن این نظریه برداشته‌اند که به عنوان نمونه قسمت‌هایی از دادنامه صادره توسط شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی که عیناً در شعبه یک دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شده، ذکر می‌گردد.

شعبه مذکور در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۹۵۰۰۰۹۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۸ که شرکت صنایع بسته‌بندی الف به عنوان خواهان با وکالت آقایان ق.ق. و ع.ط. به طرفیت ۱- آقای ح.ت. با وکالت بعدی آقای م.د. ۲- شرکت ت. به خواسته مطالبه مبلغ ۲،۳۷۶،۶۷۶،۲۳۲ ریال با احتساب خسارات دادرسی اقدام به طرح دعوی نموده است، با استناد به نظریه اصیل واقعی حکم به محکومیت خواندگان صادر نموده و چنین استدلال نموده است: «به اعتقاد دادگاه، اگرچه شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت حقیقی اعضای و مدیران آن مستقل است و به لحاظ همین استقلال شخصیت حقوقی، شرکت می‌تواند دارای حق و تکلیف شود و جز در خصوص شرکت‌هایی که شرکا شخصاً ضامن تعهدات شرکت هستند در سایر شرکت‌ها، طلبکاران حق مراجعه به شرکا را ندارند و شرکت شخصاً پاسخگو و مسئولیت در رابطه با بدهی‌های ناشی از معاملات آن با اشخاص طرف قرارداد می‌باشد، لکن هرگاه شرکت یک سلسله امور و اقدامات حقوقی را تحت کنترل شخص دیگر یا به وکالت دیگری انجام دهد به گونه‌ای که در مرحله ایجاد رابطه حقوقی اراده متعهد تحت سلطه و کنترل مؤثر آن شخص خارجی (ثالث) باشد، تعهد ایجادشده را می‌توان منتسب به اصیل واقعی (شخص ثالث) دانست. به عبارتی هرگاه اقدامات و اعمال حقوقی که شخص حقوقی (شرکت) زیر نظر دیگری انجام می‌دهد، ناشی از اراده کنترل کننده است. نتیجه گرفته می‌شود که در واقع طرف قرارداد یا اصیل واقعی کنترل کننده است و می‌بایست قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفت و مسئولیت را بر اصیل واقعی تحمیل کرد. این نظریه علاوه بر جایگاه غیرقابل انکار آن در حقوق بین‌الملل و حقوق تطبیقی، در حقوق داخلی و مبانی فقهی ما نیز براساس قاعده تقلب نسبت به قانون و جلوگیری از سوءاستفاده از حق قابل استنباط و اجرا است. در نتیجه خواننده ردیف اول نقش مدیریت و اداره کننده اصلی را به عهده داشته و این شرکت وسیله ای بوده که خواننده ردیف اول تجارت خود را به وسیله آن انجام می‌داده است. ...لذا استناد به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت نمی‌تواند مستمسکی برای برائت ذمه و رفع مسئولیت از خواننده ردیف اول باشد...»

همانگونه که از دادنامه مذکور قابل استفاده است، قاضی محترم در انشاء رأی از قاعده اصیل واقعی بهره گرفته و با تکیه بر معیار کنترل موثر و سلطه و با تطبیق آن بر مبانی فقهی منع سوء استفاده از حق و تقلب، حکم به محکومیت منتفع اصلی فعالیت شرکت داده است.

۵- خرق حجاب در شرکت‌های بسته و شرکت‌های باز

در خصوص شرکت‌های بسته آنچه که قابل ذکر است این است که این گونه شرکت‌ها سهام قابل عرضه و معامله ندارند و معمولاً، اگرچه نه همیشه، سهامداران کمی دارند. به‌طور کلی، چنین شرکت‌هایی عمدتاً توسط همان افرادی اداره می‌شوند که مالک آن‌ها هستند. بر پایه مطالعات صورت گرفته، اکثر مواردی که دادگاه‌های آمریکا حجاب شرکت را خرق نموده‌اند، ناظر به شرکت‌های بسته بوده است. منطق اقتصادی چنین تفکیکی معلوم است. در شرکت‌های بسته برخلاف شرکت‌های عام (باز)، تفکیک مالکیت از کنترل شرکت به ندرت اتفاق می‌افتد. این موضوع متضمن نتایج مهمی است؛ زیرا در شرکت‌های بسته، آورندگان سرمایه عموماً در تصمیم‌گیری‌های شرکت نیز مداخله می‌کنند. بالعکس در شرکت‌های بزرگ (باز) که مالکیت سهام به نحو گسترده‌ای میان سهامداران توزیع گردیده است، اداره آن‌ها در اختیار مدیران می‌باشد. لذا مسئولیت محدود در این گونه شرکت‌ها به‌عنوان ابزاری جهت کاهش هزینه‌های نظارتی عمل می‌نماید، زیرا در غیر این صورت افراد به سرمایه‌گذاری در این گونه شرکت‌ها، جذب نخواهند شد. در اینجا تحمیل هزینه‌های اجتماعی ناشی از تصمیم مدیران به طلبکاران به‌جای سهامداران، توجیه اقتصادی دارد. اما وقتی تصمیم‌گیری شرکت همچنان در اختیار آورندگان سرمایه است، چون تفکیک میان مالکیت سرمایه و مدیریت به عمل نیامده است، لذا مسئله هزینه‌های کارگزاری نیز منتفی است و در اینجا تحمیل هزینه‌های ناشی از تصمیمات مدیران شرکت‌های بسته - که اصولاً مالکان سرمایه نیز می‌باشند - به طلبکاران منطق اقتصادی خود را از دست می‌دهد.^۱

بر پایه مطالعه ۱۶۰۰ مورد خرق حجاب که توسط تامپسون بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۵ انجام شد، تعداد سهامداران شرکت با تمایل دادگاه‌ها به خرق کردن حجاب شرکت، نسبت معکوس دارد. تحقیقات وی نشان می‌دهد که اگر شرکتی فقط یک سهامدار داشته باشد، به‌طور متوسط در ۴۹,۶۴ درصد موارد حجاب خرق شده است. باوجود دو یا سه سهامدار این میزان به ۴۶,۲۲ درصد کاهش یافت، درحالی‌که حجاب شرکت‌های دارای سه سهامدار یا بیشتر تنها در ۳۴,۹۸ درصد موارد خرق شده‌اند، و در خصوص شرکت‌های باز نرخ خرق حجاب به صفر کاهش یافته است.^۲

همانگونه که در بالا ذکر شد، شرکت‌های بسته نه از بازار سرمایه استفاده می‌کنند و نه به‌طور کلی اجازه واگذاری آزادانه سهام را می‌دهند. این واقعیت که سهام آزادانه قابل انتقال نیستند، همچنین به این معنی است که تحمل ریسک کارآمد دشوارتر خواهد بود. سهامداران ریسک‌گریز به احتمال زیاد به یک استراتژی خروج ساده دسترسی نخواهند داشت. برعکس، سرمایه‌گذار متحمل ریسک نمی‌تواند مستقیماً در سهام یک شرکت بسته که با مشخصات ریسک آن‌ها مطابقت دارد سرمایه‌گذاری کند.^۳

۱ - عباس طوسی، همان، ۲۴۴

۲ - ۱۰۵۴op.cit., p., Robert B, Thompson

۳ - ۵۷-۵۶op.cit., pp., Easterbrook, Frank H. and Fischel, Daniel R

باوجود تمام امتیازاتی که شکل شرکت و ویژگی مسئولیت محدود آن عرضه می‌کند، مزایای مسئولیت محدود که شرکت‌های بسته از آن‌ها سود می‌برند، اندک و ناچیز است درحالی‌که شرکت‌های باز از آن‌ها نهایت بهره را می‌برند. بنابراین کاملاً منطقی است که موانع رفع مسئولیت محدود برای شرکت‌های بسته نسبت به شرکت‌های باز کمتر باشد. از آنجایی که اجرای خرق حجاب باید به نحو آسان‌تری صورت پذیرد، زمانی که با یک شرکت بسته به‌عنوان خواننده مواجه هستیم، باید کنار گذاشتن مسئولیت محدود توسط دادگاه‌ها نیز بیشتر شود. همان‌طور که ایستبروک و فیشل استنتاج کردند، یک منطق اقتصادی برای تمایز قائل شدن دادگاه‌ها بین شرکت‌های بسته و شرکت‌های باز وجود دارد.^۱

۶- خرق حجاب نسبت به خوانندگان شرکتی و فردی

در تحقیقات تامپسون، نیمی از پرونده‌های تشکیل شده مربوط به مواردی است که خواننده یک سهامدار شرکتی است؛ این‌ها مواردی هستند که طلبکاران یک شرکت فرعی سعی می‌کنند به دارایی‌های شرکت مادر یا خواهر دست یابند. همچنین موارد نادری نیز وجود دارد که طلبکاران سعی می‌کنند از طریق شرکت‌های اصلی به شرکت‌های تابعه دسترسی پیدا کنند.^۲

به نظر می‌رسد آنچه موجب می‌شود که خرق حجاب شرکت‌های تابعه کمتر شود، این است که برخی از ویژگی‌های مسئولیت محدود که دارای مزایای اقتصادی هستند، از طریق ایجاد شرکت‌های تابعه از بین می‌روند. به نظر می‌رسد که خطر اخلاقی در شرکت‌های تابعه، بیشتر از شرکت‌های مادر آن‌هاست. این واقعیت با انگیزه‌های ضعیفی که مدیران شرکت‌های تابعه برای بیمه کردن فعالیت‌های تجاری خود دارند، به روشنی قابل استنباط است. در نتیجه، در فرضی که شرکت تابعه ورشکست می‌گردد، آن‌ها اغلب سمت‌هایی را که در شرکت‌های مادر نیز دارند، حفظ کرده و همچنان دارای شغل خواهند بود. از سوی دیگر، در شرکت‌های باز (عام) مدیران می‌خواهند مطمئن شوند که شرکت شکست نمی‌خورد و کار خود را که معمولاً تنها شغل آن‌هاست، حفظ می‌کنند. بنابراین، انگیزه آن‌ها برای بیمه کردن فعالیت خود بسیار بیشتر است. همچنین از آنجایی که شرکت‌های تابعه، بسیار شبیه شرکت‌های بسته بهره کمتری از استفاده از فرم با مسئولیت محدود برای سازمان‌دهی فعالیت‌های تجاری خود می‌برند، روال منطقی این است که موانع برای خرق کردن حجاب شرکت‌های تابعه نباید آن‌قدر وسیع و متعدد باشد، زیرا در این روش پیامدهای منفی و مزایای ازدست‌رفته آن به مراتب کمتر است.

بنابراین، در اعمال قاعده خرق حجاب، مواردی که خرق حجاب شرکتی صورت می‌گیرد به لحاظ منطقی باید بیشتر از مواردی باشد که حجاب فردی خرق می‌گردد. به طرز عجیبی، تامپسون متوجه شد که به‌طور

^۱ - ۱۰۵۵op.cit., p ., Thompson, Robert B

^۲ - *Ibid*

متوسط حدود ۴۴ درصد از مواقعی که سهامداران شخصی بودند و تنها ۳۸ درصد از مواقعی که سهامداران شرکت بودند حجاب خرق گردیده است.^۱

ایستربروک و فیشل، یک توضیح ممکن و معقول اقتصادی برای این نتایج ارائه کرده‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که تمایل بیشتر دادگاه‌ها به خرق حجاب شرکت‌های تابعه به‌منظور دستیابی به دارایی سهامداران شرکت‌ها منجر به مزیت رقابتی می‌شود که به شرکت‌های کوچک‌تر داده می‌شود. آن‌ها اظهارنظر می‌کنند که اگر حجاب شرکت‌های تابعه به‌طور مداوم خرق شود، شرکت‌هایی که متعلق به شرکت دیگری نیستند، هزینه‌های عملیاتی کمتری را متحمل می‌شوند، زیرا تنها سازمان‌هایی هستند که می‌توانند به‌طور ماهرانه از مسئولیت محدود استفاده کنند.^۲

۷- خرق حجاب در موارد قراردادی و غیرقراردادی

موارد قراردادی ناظر به مواردی هستند که رابطه از یک توافق قراردادی نشات می‌گیرد. طلبکار در چنین موقعیتی پذیرفته است که در ازای کسب منافی، مقدار معینی از خطر را بپذیرد. نمونه‌هایی از این طلبکاران داوطلبانه، بانک‌ها و مؤسسات وام‌دهی هستند که در ازای وام با بهره، پول شرکت را می‌گیرند و ریسک ورشکستگی شرکت را می‌پذیرند. نمونه‌های دیگر، تأمین‌کنندگانی هستند که پرداخت تأخیری را می‌پذیرند و در ازای آن می‌توانند با شرکت تجارت کنند و همچنین چند درصد اضافی از قیمت فروش دریافت کنند. عموماً در این پرونده‌ها، خواهان هر آنچه را که به او بدهکار هستند از قبیل بازپرداخت وام، ارائه خدمات و یا محصولات خریداری‌شده را دریافت نکرده است و بنابراین سعی می‌کند فراتر از شرکت ورشکسته، به یک‌نهاد با دارایی کافی برسد. خواندگان به آسانی توافقات را نقض می‌کنند در نتیجه عدم اطمینان از اینکه یک قرارداد امضا شده، اگر نه توسط طرف مقابل حداقل توسط دادگاه‌ها، مورد حمایت و احترام قرار می‌گیرد، تجارت و فعالیت‌های اقتصادی به‌سرعت کاهش می‌یابد و در نتیجه این کاهش، جامعه ثروت بیشتری را از دست می‌دهد. بنابراین برای فعالیت اقتصادی و برای ادامه پیشرفت اقتصادی، ضروری است که اجرای قراردادها قطعی باشد.^۳

با این وجود، دادگاه‌ها در زمان خرق حجاب، باید هزینه‌های اجرای آن را در مقابل هزینه‌های عدم اجرای آن به‌درستی ارزیابی کرده و در تشخیص این واقعیت که آیا دیون شرکت به دلیل شرایط فریبکارانه یا صرفاً به دلیل ورشکستگی پرداخت نشده است را با توجه به شرایط حاکم در هر پرونده مورد توجه قرار دهند. از منظر اقتصادی، دادگاه‌ها باید هزینه‌های نظارتی را نیز در نظر بگیرند. احکام دادگاه باید به‌طور بهینه مسیر تصمیم‌گیری در مورد خرق حجاب را به ضرر طرفی تعیین کنند که کمترین هزینه نظارت را دارد.

1 - ۱۰۵۷op.cit., p., Thompson, Robert B

2 - ۵۸op.cit., p., Easterbrook, Frank H. and Fischel, Daniel R

3 - *Ibid*

یکی از ویژگی‌های مسئولیت محدود این است که ریسک‌ها را از شرکت به طلبکارانی که برای جبران این ریسک مذاکره کرده و آماده‌گی دارند، منتقل می‌کند. اما در موارد غیر قراردادی، طلبکار نه مذاکره کرده و نه احتمال آسیب را پذیرفته و نتیجتاً به صورت قهری متحمل زیان گردیده است.

با انتقال ریسک، شرکت در واقع یک اثر خارجی منفی ایجاد کرده که خنثی و بی‌اثر نشده است، و به نوبه خود باعث گردیده که منفعت خصوصی از منفعت اجتماعی بیشتر شود یا برعکس، هزینه اجتماعی نهایی از هزینه خصوصی نهایی بیشتر شود.^۱

به منظور تبیین مطلب فوق باید پذیرفت، شرکتی که در چنین فرضی، علیرغم ارتکاب خطا و اشتباه، زیان وارد به شخص ثالث خارج از شرکت را جبران نکرده و به واسطه فعالیت تجاری خود منتفع نیز شده است، با ادامه عملیات مخاطره‌آمیز که تنها از طریق درونی نکردن هزینه‌های خارجی منفی سودآور می‌شود، به حیات تجاری خود ادامه می‌دهد که مضرات اقتصادی ناشی از این اقدام بر کسی پوشیده نیست.

برای کاهش هزینه‌های اجتماعی برونی‌سازی ناشی از مسئولیت محدود، دادگاه‌ها به منظور تعدیل مسئولیت محدود، در شرایطی حجاب شرکت را خرق نموده و هزینه‌های ناشی از فعالیت‌های پر ریسک را که با انگیزه‌های نادرست به اشخاص خارج از شرکت تحمیل شده است را درونی کرده و متوجه سهامداران نموده‌اند. از دیگر اقدامات نظیر خرق حجاب که برای کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از پایبندی به قاعده حاکمیت مسئولیت محدود که شاید بتوان آنها را زیر مجموعه عدالت توزیعی دانست، می‌توان از جمله به مقررات مربوط به مسئولیت مدیران در شرکت، الزامات مربوط به تأسیس شرکت با سرمایه کافی و بیمه‌های اجباری اشاره کرد.

با توضیحات فوق این مطلب به روشنی قابل درک است که در پرونده‌های مسئولیت مدنی نه مسئولیت نامحدود و نه خرق همیشگی حجاب شرکت، هیچ‌کدام راه‌حل مناسبی نیستند؛ آنچه به لحاظ منطق اقتصادی بهینه است، خرق محتاطانه حجاب شرکت و اجرای آن در شرایط خاص و استثنائی می‌باشد. بدیهی است در صورتی که حفظ قاعده مسئولیت محدود به‌عنوان یک هنجار در نظر گرفته شود، چنین مصالحه‌ای به بهترین وجه ایجاد می‌شود و مورد حمایت قرار می‌گیرد و تنها در صورتی که زیان‌دیدگان به‌طور غیرقابل قبولی متحمل زیان گردند و از شکل شرکت به روشی استفاده شده باشد که به‌وضوح روشن باشد که منجر به اثرات خارجی منفی می‌گردیده است، حجاب شرکت خرق می‌گردد. بنابراین عقیده بر این است که یک مسئولیت محدود قوی است که به جامعه امکان می‌دهد از بیشتر مزایای آن بهره‌مند شود، اگرچه به‌استثنای موقعیت‌های غیرقابل پشتیبانی، خرق حجاب با احتیاط اعمال می‌شود.^۲

۱- ۴۳۲p, Microeconomic Analysis. (۱۹۹۲), Varian, Hal R

۲- ۶۱op.cit., p, Easterbrook, Frank H. and Fischel, Daniel R

بر اساس تحقیقات تامپسون، دادگاه‌ها ۳۰,۹۷ درصد موارد در هنگام رسیدگی به پرونده‌های مسئولیت مدنی و ۴۱,۹۸ درصد موارد در پرونده‌های قراردادی حجاب شرکت را خرق کرده‌اند.^۱

در مورد پرونده *NJA 1947 S. 647* عملیات شرکتی که حجاب آن خرق شده، مستقیماً به نفع تعهدات مربوط به سهامداران بود. کسب و کاری که تا حد زیادی بخشی از یک عملیات تجاری دیگر است، باید با ریسکی که در عملیات دومی تحمیل می‌گردد مواجه شود. در غیر این صورت، اگر این روش پذیرفته می‌شد، سهامداران می‌توانستند ریسک خود را با ادغام تمام شاخه‌های مختلف کسب و کار خود کاملاً از بین ببرند و فقط سرمایه کافی را در بخش حسابداری ثبت شده حفظ کنند. چنین رویه‌ای از نقطه نظر اقتصادی بسیار ناکارآمد است. زیرا کسب و کارهایی که در واقع هزینه‌های زیادی به همراه دارند، با وجود اینکه واقعاً از نظر مالی ناپایدار هستند، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در پرونده مذکور شرکت *NJA 1947 S. 647* در کار احداث یک سد بود؛ سرمایه‌گذاری که به وضوح می‌تواند خسارات بزرگی را در صورت بروز مشکل ایجاد کند. به نظر می‌رسد در مشاغلی که پیش‌بینی می‌شود که حوادث عواقب شدیدی خواهند داشت در مورد اینکه آیا سرمایه کافی است یا خیر، دادگاه‌ها با رعایت جوانب احتیاط می‌توانند معیارهای سخت‌گیرانه‌تری اعمال کنند. این امر برای اطمینان از اینکه هزینه اثرات خارجی منفی، بر دوش اشخاص ثالثی که آن را اراده و پیش‌بینی نکرده‌اند، قرار نمی‌گیرد، موردنیاز است.^۲

۸- نتیجه

هدف از انجام این پژوهش ارائه یک تحلیل اقتصادی از معیارهای نفوذ در شخصیت حقوقی شرکت تجاری و بالتبع تحمیل مسئولیت نامحدود بر شرکا و سهام داران شرکت است. موضوعی که در پژوهش‌های پیشین صورت گرفته، مغفول مانده و مورد بررسی واقع نشده است. بنابراین، این مقاله در صدد بیان این مطلب است که اعمال خرق حجاب و تحمیل مسئولیت نامحدود بر سهامداران با توجه به تحقق معیارها و ضوابط یاد شده، از نظر منطق اقتصادی کارآمد و سودمند می‌باشد.

اگرچه در نگاه نخست، خرق حجاب شخصیت شرکت، ممکن است مستقیماً با تئوری و منطق اقتصادی مغایرت داشته باشد، اما بررسی دقیق معیارهای آن نشان داده است که می‌تواند به لحاظ اقتصادی کارآمد باشد؛ بنابراین در خصوص معیار استقلال، واضح است که امکان استفاده از خرق حجاب برای عبور از سد مسئولیت محدود در مورد شرکتی که از هر منظری به آن نگریده شود جزء لاینفک یک شرکت مادر است، به ارائه تصویری دقیق و درست از خطراتی که شرکت مادر با آن‌ها مواجه است، کمک می‌کند آگاهی بیشتر سرمایه‌گذاران از ریسک‌ها سبب می‌شود که سرمایه را به موضوعات کارآمد اقتصادی تخصیص دهند.

در خصوص معیار سرمایه‌گذاری مناسب نیز علاوه بر اینکه امکان خرق، مشارکت‌های مالی سرمایه‌گذاران در شرکت را تشویق می‌کند، از منظر اقتصادی نیز به دلایل متعددی مثبت است. اول از همه، شرکت‌ها به

1- ۱۰۵۹op.cit., p .,Thompson, Robert B

2- ۱۰۶۲op.cit., p .,Thompson, Robert B

سرمایه‌گذاری کارآمد اقتصادی در رابطه با ریسک مربوطه نیاز دارند، به این معنی که هزینه ریسک با دقت بیشتری نشان داده می‌شود. دوم، همه عوامل خارجی درونی می‌شوند زیرا سرمایه‌گذاری‌های موردنیاز پروژه‌ها منعکس‌کننده هزینه‌های آن‌ها خواهد بود که منجر به افزایش ثروت اجتماعی می‌شود.

در خصوص شرکت‌های بسته، از نظر منطق اقتصادی کاملاً پذیرفته است که نفوذ در شخصیت حقوقی شرکت و بالتبع تحمیل مسئولیت نامحدود بر شرکا و سهامداران، محقق گردد؛ زیرا در این گونه شرکت‌ها، مدیران (مسئولان) اغلب تنها سهامداران هستند، بنابراین امکان خرق کردن حجاب، یک هزینه - فرصت واقعی را ایجاد کرده و موجب تشویق رفتار کارآمد اقتصادی مطلوب می‌گردد. بالعکس، خرق حجاب در شرکت‌های باز، از لحاظ منطق اقتصادی چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد. چرا که در این گونه شرکت‌ها، با توجه به اینکه مالکیت سهام به نحو گسترده‌ای میان سهامداران توزیع شده است، اغلب جداسازی مالکیت و کنترل اتفاق می‌افتد و بنابراین، مسئولیت محدود در این نوع از شرکت‌ها، به عنوان ابزاری جهت کاهش هزینه نظارتی عمل می‌نماید. در غیر این صورت افراد به سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها جذب نخواهند شد. در خصوص موارد قراردادی، خرق حجاب شرکتی به‌عنوان آخرین راه‌حل برای طلبکاران و طرف مقابل (شرکت) عمل می‌کند. اگر شرکت طرف قرارداد به تعهدات خود عمل نکند، خرق حجاب شرکتی احتمالاً می‌تواند وسیله‌ای برای اجرای اجباری مفاد قرارداد یا حداقل دریافت غرامت پولی باشد.

در پرونده‌های مسئولیت مدنی، مهم‌ترین استدلال به نفع خرق حجاب، درونی‌سازی هزینه‌های بیرونی است: از نظر اقتصادی ناکارآمدی و فاقد توجیه است که اشخاص ثالث، ناخواسته برای منافی که توسط شخص دیگری (شرکت) دریافت می‌شود هزینه‌هایی را متحمل شوند.

در خاتمه لازم به ذکر است که با توجه به این واقعیت که خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، نقض قاعده سودمند و کارآمد اقتصادی مسئولیت محدود است، بسیار مهم است که دادگاه‌ها هنگام تصمیم‌گیری در مورد اعمال آن به سازگار بودن آن با منطق اقتصادی توجه نمایند و بر این باور پای‌بند باشند که خرق حجاب شرکتی باید به عنوان یک استثناء باقی مانده و صرفاً در فرض تحقق شرایطی خاص به کار گرفته شود.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- حسینی، محمدرضا. (۱۳۹۹). تحلیل اقتصادی حقوق حاکمیت شرکتی، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
- طوسی، عباس. (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول.
- عابدی فیروزجایی، ابراهیم. (۱۳۹۶) نظام حقوقی حاکم بر حقوق شرکت‌ها، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول.
- مسعودی، علیرضا. (۱۳۹۷). ضمانت‌نامه‌های بانکی در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ سوم.
- نعیمی، مرتضی. (۱۴۰۰). درآمدی به رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، نشر میزان، تهران، چاپ دوم.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- آقایی طوق، مسلم. (۱۳۹۲). تحلیل «تحلیل اقتصادی حقوق»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره دو.
- احمدی نیا، فرشته و همکاران، (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی مبانی خرق حجاب شرکت در حقوق انگلستان، ایالات متحده آمریکا و ایران، مطالعات حقوقی، دوره یازدهم، شماره اول.
- طوسی، عباس. (۱۳۹۰). متدولوژی حقوق و اقتصاد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴
- جنیدی، لعیا، سمیرا سلیمان زاده. (۱۳۹۸). عبور از قواعد سنتی حقوق شرکت‌ها در گروه شرکت‌های تجاری، تحول ماهوی و آیینی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۹۸.
- جنیدی، لعیا، ملیحه زارع. (۱۳۹۳). اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره یک.
- زارع، ملیحه. (۱۳۹۲). خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، پایان نامه دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران.

- شید، بابک و محسن ایزانلو، (۱۳۹۶). گسترش قلمرو داوری در پرتو نظریه اصیل واقعی و مطالعه تطبیقی با حقوق ایران، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل.
- فرجی، اسماعیل. (۱۳۹۰). نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی، محمد. (۱۳۹۹). حدود استقلال شخصیت حقوقی شرکت تابعه از شرکت مادر و آثار مترتب بر آن بامطالعه تطبیقی در حقوق ایران و امریکا، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نصیری، مرتضی. (۱۳۶۴). اصیل واقعی و آلتراگو، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین المللی شماره دوم.

:Articles

- Corporation to Challenge Multinational The :a)۱۹۹۳(I Philip ,Blumberg ,Press University Oxford) Personality Corporate New a for Search The :Law (York New
- in ,Groups Corporate of Law American The :b)۱۹۹۳(I Philip ,Blumberg - of Dynamics the and Structure Changing :Accountability and Control Corporate (York New ,Press University Oxford) Regulation
- RATIONALE EDBAS-FEDERALISM A ,Douglas ,Smith .G (۲۰۰۸) ,LIABILITY LIMITED FOR
- Responsibility Financial ,Veil Corporate The Piercing“ ,M ,David (۲۰۰۷) ,Legal and Law Public Lee & Washington ,”Liability Limited of Limits the and Research Theory
- Corporate in Voting“ :R Daniel ,Fischel and H Frank ,Easterbrook (۱۹۸۳) :Private and Corporations ,۲ ,No ,۲۶ .Vol ,Economics and Law of Journal ,”Law Institution Hoover the by Sponsored Conference A :Property
- Economic The :R Daniel ,Fischel and H Frank ,Easterbrook (۱۹۹۶) :StructureSt (Press University Harvard) Law Corporate of ructureSt
- The ,”Corporation the and Liability Limited“ .R Daniel & H Frank (۱۹۸۵) - Review Law Chicago of University

Henry Hansmann, *The Essential Role of Organizational Law* -
Reinier Kraakman, *The Anatomy of Corporate Law* (2004) -
Oxford University Publications, *Comparative and Functional Approach* -
Richard Posner, *Economic Analysis of Law* (1986) -
Company and
Robert B. Thompson, "Piercing the Corporate Veil: An Empirical Study" (1991) -
Cornell Law Review, Vol. 76, "Study
Hal R. Varian, *Microeconomic Analysis* (1992) -
W. W. Norton & Company, Inc., New York.